

## گواه‌نمایی در اقناع بازپرس<sup>۱</sup>

مسعود دهقان<sup>۲</sup>

عطیه کرمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی



### چکیده

گواه‌نمایی، ابزاری زبانی است که در معنای نخستین‌اش، برای مشخص‌سازی و رمز‌گذاری منبع اطلاع و عملکرد گوینده یا نویسنده در درست جلوه دادن سخن، به کار برده می‌شود. پس از آن گواه‌نمایی، در معنای ثانویه‌اش و به صورت ضمنی، می‌تواند قطعیت خبر را نشان دهد. به بیانی، زمانی که گواه‌نمایی دیداری به کار گرفته شود فرد، رویداد یا خبری را از نزدیک مشاهده می‌کند. سپس فرد به فراخور آن اطلاع‌بخشی، قاطعیت بیشتری در پیوند با بیان آن رویداد به دست می‌آورد. تاکنون متن‌های بسیاری بر پایه قاطعیت کلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از این جنبه می‌توان آن‌ها را به گروه‌های جداگانه‌ای دسته‌بندی نمود. زبان‌شناسی حقوقی - به عنوان دانشی نو و بینارشته‌ای، می‌تواند روند

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.27812.1771

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه

کردستان (نویسنده مسئول)؛ m.dehghan@lit.uok.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان؛

atiyeh.karami92@gmail.com

رسیدگی به پرونده‌های قضایی را سرعت بخشیده و به درک قاضی و بازپرس در امر قضاوت کمک کند. از این رو، کاربرد و اهمیت ساخت‌های گواه‌نما در زبان‌شناسی حقوقی، هنگامی روشن می‌شود که متهم در تلاش است تا با قسم خوردن، شرح جزء به جزء رخداد و موارد مشابه خود را از اتهام به جرمی مبرا سازد. همچنین متهم می‌خواهد صدق گفتارش را با گواه‌نمایی نشان دهد و قاضی یا بازپرس را متقاعد نماید. پژوهش حاضر، با هدف تأثیر کاربرد گفتمانی گواه‌نمایی در اقناع قاضی یا بازپرس، به تحلیل اظهارات دو فرد متهم به قتل (یک آقا و یک خانم) در دو پرونده کیفری، بر پایه زبان‌شناسی حقوقی و ابزارهای زبانی انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که متهم‌ها از ساخت‌های گواه‌نما همچون ساخت زمان گذشته ساده بهره می‌برند. متهم‌ها همچنین از ساخت‌های گزارشی، افعال گواه‌نما مانند دیدن، به عنوان یک فعل حسی و واژه‌های گواه‌نما - که متهمین در کلام خود برای افزایش تأثیرپذیری و اعتباربخشی به سخن خود و متقاعدسازی بازپرس استفاده می‌کنند. این متهم‌ها سعی دارند با این ابزارهای زبانی، بازپرس را متقاعد کرده و اتهام وارد شده را انکار نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌شناسی حقوقی، ساخت‌های گواه‌نما، اقناع، قاضی یا

بازپرس

## ۱. مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی به عنوان علمی نوپا، از سال ۱۹۹۷ در داده‌گاه‌های قضایی آمریکا و اروپا مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. این علم، می‌تواند به صورت گسترده، رویکردهای گوناگون زبان‌شناسی را در پرونده‌های ویژه به کار گیرد. برای نمونه، چگونگی کاربرد کنش‌های گفتاری در پرونده‌های جنایی، کاربرد علم زبان‌شناسی در بازپرسی پلیس و پرونده‌های اعتراف، راه‌های برقراری ارتباط با نوشتار سنگین و پیچیده دولت، چگونگی عملکرد تحلیل زبان‌شناختی در پرونده‌های تجاری و یا راهبردهای گفتمانی‌ای که با افشای افسران اجرای قانون به کار برده می‌شوند. گاهی، داده‌ها حتی بینش جدیدی در پیوند با چگونگی عملکرد زبان نشان می‌دهد (Shuy, 2006, p. 132-133). از این رو، زبان‌شناسان توانسته‌اند با واکاوی ابزارهای زبانی روند رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های قضایی را شتاب بخشند. همچنین، کولتارد و همکاران (Coulthard et al., 2017, p. 14) در این زمینه بیان کرده‌اند که زبان‌شناسی حقوقی،

زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به صورت ویژه در هم‌کنش با متن‌های تخصصی و سازمانی حقوقی است. همچنین این رشته کاربردی است، چرا که دارای کاربردهای واقعی است و یافته‌های آن می‌تواند به شیوه‌های تخصصی مورد استفاده قرار گیرد. تولان (Toolan, 2001) در تعریف زبان‌شناسی حقوقی<sup>۱</sup> می‌نویسد «در چند سال اخیر مطالعات زبان‌شناسی آگاهانه در امور حقوقی رشد چشم‌گیری داشته است، به گونه‌ای که بیشتر کارهای این زمینه را می‌توان در زیر شاخه‌ای به نام زبان‌شناسی قضایی قرار داد» (Toolan, 2001, p. 92).

هر چند پیش‌تر برخی آثار به پژوهش در زمینه زبان‌شناسی قضایی پرداخته‌اند، اما در سال ۱۳۸۴، اثر «زبان‌شناسی حقوقی (قضایی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی» آقاگل‌زاده از جمله نخستین آثاری است که به معرفی این حوزه پرداخته است. زبان‌شناسی حقوقی به عنوان یکی از گرایش‌های جدید در زبان‌شناسی کاربردی، کاربرد گسترده‌ای در همه حوزه‌های زبان‌شناختی؛ همچون تحلیل گفتمان حقوقی، نحو، معنی‌شناسی، واج‌شناسی، گویش‌شناسی، آواشناسی و سبک‌شناسی پیدا کرده است. برای نمونه، یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان، رویکردی است که فرکلاف (Fairclough, 1989, p. 5) از آن به مثابه مطالعه انتقادی زبان<sup>۲</sup> (به اختصار - سی.ال.اس) یاد کرده است. این رویکرد انتقادی، لایه‌های معنایی پنهان در پیوند با ارتباط میان زبان، قدرت و ایدئولوژی را که بر مردم پوشیده است، آشکار می‌سازد. مطالعه انتقادی زبان بیناکنش‌های اجتماعی را با هدف تمرکز بر سازه‌های زبانی و نشان‌دادن لایه‌ها و عوامل پنهان در پس‌متن بر اساس آن سیستم مورد نظر مورد بررسی قرار می‌دهد. از سوی دیگر، به باور وی (Fairclough, 1995, p. 555) هدف تحلیل گفتمان انتقادی فراهم آوردن قالبی برای پیوند میان ویژگی‌های متن‌ها و بیناکنش‌های گفتمانی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی محیط‌هایی است که در آن موقعیت‌ها به کار گرفته می‌شوند. زبان‌شناس نیز می‌تواند به واکاوی ایدئولوژی‌ها و لایه‌های پنهان در پس‌گفتمان‌های گوناگون بپردازد و یافته‌های خود را در اختیار افراد دیگر قرار دهد. برای نمونه، حضور یک زبان‌شناس به عنوان شاهد کارشناس در دادگاه می‌تواند بسیار کارآمد باشد.

## ۱.۱. مسأله پژوهش

اهمیت بررسی گفتمان متهم‌ها چنان است که قاضی در دادگاه بر پایه مستندات نوشته‌شده در پرونده و واکاوی درستی دفاعیه‌های آن‌ها رأی نهایی را بیان می‌کند. فردی که به عنوان متهم در

<sup>1</sup> forensic linguistics

<sup>2</sup> critical language study (CLS)

داد‌گاه حاضر می‌شود، نباید بر اساس برداشت و حدس و گمان سخن گوید، بلکه باید از گواه‌نمای<sup>۱</sup> مستقیم و دست‌اول استفاده کند. بررسی و تحلیل دفاعیه‌های متهم‌های پرونده‌های کیفری نشان می‌دهد که آنان با استفاده از گواه‌نمایی<sup>۲</sup> سعی در اقتناع قاضی و بازپرس دارند تا با شرح جزء‌به‌جزء آن‌چه به وقوع پیوسته و حتی قسم‌خوردن خود را از گناه‌کار بودن پاک نشان دهند. بنابراین، نگارندگان در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها هستند که بهره‌گیری از ساخت‌های گواه‌نما همچون ساخت زمان گذشته ساده، ساخت‌های گزارشی و موارد مشابه، به عنوان ابزار زبانی چگونه می‌تواند قاضی یا بازپرس را متقاعد به انجام کاری نماید و یا او را از انجام کاری بازدارد. همچنین، متهمین چگونه با استفاده از گواه‌نمایی به عنوان راهبردی گفتمانی سعی در اقتناع<sup>۳</sup> قاضی و بازپرس دارند تا خود را از اتهام ارتکاب جرم، بی‌گناه نشان دهند. آیکهن‌والد (Aikhenvald, 2004, p. 115) بیان می‌کند که در فارسی نو زمان-نمود<sup>۴</sup> کامل استمراری می‌تواند معنای غیر دست‌اول به خود بگیرد و نمود ناقص ممکن است به اطلاع دست‌اول اشاره داشته باشد. در نمونه زیر، جمله نخست در بخش گفتار مستقیم با نمود غیر کامل نشانه‌گذاری شده‌است و گوینده شاهد روی داد بوده‌است. بنابراین، در بافتی ویژه، نمود غیر کامل می‌تواند برای اشاره به اطلاع دست‌اول به کار برده شود. کاربرد نمود کامل استمراری به وسیله گوینده در جمله پایانی نمایانگر آن است که خبر به وسیله شخص دیگری گزارش شده و غیر-دست‌اول است.

a. tuyeh	xâne-ye	man	ke	kâr	mi-kard
in	house-PRON:IP1	SUB		work	do:IMPF:3SG
hamiše	šeʔr	mixând.			
always	poetry	recite:IMPF:3sg			
boland	boland	mixândeast			
loudly	loudly	recite: PERF. CONT: 3sg			

(Aikhenvald, 2004, p. 115)

## ۱.۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی پیرامون زبان‌شناسی حقوقی و تحلیل گفتمان حقوقی در زبان فارسی انجام گرفته‌است که نگارندگان در این بخش به معرفی برخی از آن‌ها خواهند پرداخت. لازم به اشاره است که در ادامه، نخست به پژوهش‌های ایرانی اشاره شده و پس از آن برخی از پژوهش‌های

<sup>1</sup> evidential

<sup>2</sup> evidentiality

<sup>3</sup> persuasion

<sup>4</sup> tense-aspect

غیرایرانی را معرفی خواهیم کرد. آقاگل‌زاده (Aghagolzadeh, 2013) در پژوهشی با نام «زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)» برای نخستین بار به شرح و معرفی زبان‌شناسی حقوقی پرداخته‌است که از پیوند دو رشته زبان‌شناسی و حقوق ایجاد شده‌است. این پژوهش به طور کلی، به کاربرد پژوهش‌های زبان‌شناسی به شیوه علمی برای آسان‌سازی و سرعت‌بخشی در چاره‌یابی مشکل‌های حقوقی مردم، نظام قضایی و پلیس پرداخته‌است. امیدواری و همکاران (Omidvari & Golfam, 2017) در پژوهش خود با نام «بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی: رویکردی رده‌شناختی» به بررسی گواه‌نمایی از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زبان فارسی از جنبه ساختاری، فاقد گواه‌نمای دستوری است. این گونه پژوهش‌ها، پایه و اساس پژوهش‌های پسین قرار گرفت و راه را برای بررسی هرچه دقیق‌تر متن‌های فارسی معاصر از دیدگاه کاربرد گواه‌نمایی هموار ساخت. همچنین رضایی (Rezai, 2014) در پژوهش «گواه‌نمایی در زبان فارسی امروز» به بررسی گواه‌نمایی در فارسی معاصر پرداخته‌است. در این پژوهش با بررسی ساخت‌های گوناگونی که معنای دومین آن‌ها بیانگر گواه‌نمایی است و با ارائه شواهد هم‌زمانی و در زمانی نشان داده شد که ساخت‌های معروف به گذشته نقلی استمراری و گذشته بعید در فارسی معاصر بیانگر گواه‌نمایی غیر دست اول هستند.

آقاگل‌زاده و زائری (Aghagolzadeh & Zaeri, 2016) در پژوهشی با نام «توصیف و تحلیل شیوه‌های کلامی و غیر کلامی متهمان جهت افناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری: زبان‌شناسی حقوقی» از زوایه‌های گوناگون به بررسی گفتار و رفتار متهمان در دادگاه‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که برانگیختن احساسات قاضی با بیشترین کاربرد، نقش مهمی در افناع قاضی نسبت به متهم و جرم او دارد. مؤمنی و عزیزی (Momeni & Azizi, 2015) پژوهشی با نام «نقش تغییر موضوع و نقض اصول گرایس توسط متهم در بازجویی‌ها: مطالعه موردی در آگاهی تهران بزرگ» را انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش، در دادسراها و پلیس آگاهی تهران بزرگ، حضور یافته و به هدف‌ها و روابط قدرت در بازجویی اشاره کردند. آن‌ها همچنین، با آوردن نمونه‌هایی به روشنی نشان دادند که اصول گرایس یکی از پر کاربردترین ابزارهای زبانی است که معمولاً به وسیله متهم در نظر گرفته نمی‌شود. نمونه‌های اشاره‌شده در این پژوهش در واقع مصداقی واقعی برای نقض راهبرد کمیت فراهم می‌کند. چرا که متهم در ابتدای بازجویی ارتکاب جرم را نمی‌پذیرند، اما در پایان با دادن اطلاعات بیش از اندازه نیاز، ناچار به پذیرش جرم‌های مرتکب شده می‌شود. بدخشان و همکاران (Badakhshan et al., 2015) پژوهشی با نام «تحلیل نقش کاربردشناختی نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل در

متن بازپرسی» را به انجام رسانیدند. آن‌ها، متن یکی از بازپرسی‌های انجام‌شده یک متهم محکوم به قتل، در شهر کرمانشاه را به عنوان پیکره زبانی در نظر گرفتند. پس از شرح خلاصه پرونده، به تحلیل متن بازپرسی با استفاده از نظریه مورد اشاره پرداخته‌اند.

روشن و صفی (Roushan & Safi, 2015) پژوهشی با نام «ویژگی‌های کلامی جدال‌های میان زنان و مردان در دادگاه‌های خانواده شهر تهران» با روش پیمایشی و تحلیلی کمی-کیفی انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش، داده‌های خود را از جدل‌های کلامی موجود در ۴۲ جلسه رسیدگی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران گردآوری کرده‌اند که (زن و مرد) هر دو در آن‌ها حضور داشته‌اند. در این پژوهش متغیر جنسیت به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی در نظر گرفته شده که سبب ایجاد تنوع زبانی می‌شود. همچنین به این مسئله توجه شد که مردان گرایش به برتری و چیرگی بیشتری نسبت به زنان دارند. بر این مبنایافته‌های این بررسی نشان داد که برای نمونه میزان رخداد جمله‌های پرسشی و تحکم‌آمیز در کلام مردان بیشتر از زنان بوده‌است و در نتیجه از سبک کلامی قوی‌تر و مستحکم‌تری نیز به مراتب برخوردار هستند. محمودزاده و همکاران (Mahmoudzadeh et al., 2015) در پژوهش «کارکرد سبک‌شناختی عناصر انسجامی در متون حقوقی: بررسی آرای دادگاه‌ها» به روش توصیفی به تحلیل سبک زبانی به کار برده شده در برخی از دادنامه‌های صادره از شعبه‌های دادگاه‌های حقوقی و کیفری و دیوان عدالت اداری پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دلیل سنگینی و دشواری درک متن‌های حقوقی بهره‌گیری از واژه‌های مهجور، جمله‌های چندبندی، حذف پی‌درپی فعل و سازه‌های تکرار است. بنابراین، با استفاده از واژه‌ها و جمله‌ها و به طور کلی سازه‌های زبانی ساده‌تر، درک متن‌های حقوقی برای همگان قابل فهم‌تر خواهد بود. امیدواری و گلفام (Omidvari & Golfam, 2015) در پژوهشی با نام «بررسی ارتباط گواه‌نمایی زبانی با شخصیت‌پردازی در فیلم‌نامه: با استناد به فیلم جدایی نادر از سیمین» با آوردن نمونه‌هایی به بررسی و تحلیل ساختارهای گواه‌نمایی به کار برده شده در متن این فیلم‌نامه پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که می‌توان شخصیت‌های بازیگران را با در نظر گرفتن گواه‌نمایی که استفاده می‌کنند، مورد ارزیابی قرار داد. از سوی دیگر، اطلاعات به دست آمده با بررسی انواع گواه‌نمایی به کار برده شده در فیلم‌نامه می‌تواند یافته‌های ارزشمندی در زمینه نقد آن‌ها به دست دهد. دهقان و حیدری (Dehghan & Heidari., 2017) در پژوهش «بررسی و تحلیل سبک کلامی متهمین در نظام قضایی ایران» با واکاوی دو پرونده واقعی به توصیف ابزارهای زبانی به کار رفته از سوی متهمین پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که متهمین برای بیان جرم خود از دو گونه سبک کلامی آشکار و پنهان

بهره می‌برند. نگارندگان در این پژوهش، افزون بر برشمردن ویژگی‌های این دو گونه سبک کلامی، با تحلیل‌های خود نشان دادند که سبک کلامی آشکار برای متقاعدسازی مخاطب اثربخش‌تر خواهد بود.

حلاج‌زاده بناب (Halajzadeh, 2018) رساله دکتری خود را با نام «توصیف و تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان دادگاه‌های خانواده، زنان خواستار طلاق بر پایه دیدگاه ون‌دایک (۲۰۰۶): رویکرد زبان‌شناسی حقوقی» به نگارش درآورده‌است. وی به بررسی لایه‌های پنهان و ایدئولوژی‌های گفتمان زنان خواستار طلاق در دادگاه خانواده به روش میدانی و با حضور در جلسه دادگاه‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که جامعه آماری مورد بررسی از همه ابزارهای زبانی و راهبردهای نحوی، بالغی و واژگان برای بزرگ‌نمایی کنش‌های درست خود و عملکردهای نادرست همسران‌شان بهره می‌گیرند.

همچنین، در ادامه به برخی از پژوهش‌های غیر ایرانی خواهیم پرداخت. لازار (Lazard, 2019, p. 29) درباره زبان فارسی تاجیکی این گونه بیان می‌کند که ظاهراً صورت‌هایی با مفهوم گواه‌نمایی غیر دست اول در گذشته و حال وجود دارند. وجود این صورت‌ها، بیانگر این مطلب است که این زبان به گونه‌ای، شیوه‌ای برای گسترش نظام گواه‌نمایی به کار گرفته‌است. همچنین لازار (Lazard, 2001) در پژوهشی با توجه به اهمیت گواه‌نمایی، گفتمانی را که با گواه‌نمایی نشان‌دار شده‌است را در مقابل گفتمان بی‌نشان و خنثی قرار داد. کولتارد و همکاران (Coulthard et al., 2017, p. 13) پژوهشی با نام «درآمدی بر زبان‌شناسی حقوقی-زبان به مثابه مدرک (در حال ترجمه)» انجام داده‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به این موضوع اشاره می‌کنند که زبان‌شناسان حقوقی نه تنها مانع شرح و به نمایش گذاشتن تجربه بنیادین نمی‌شوند بلکه کوشش آن‌ها بر دگرگون ساختن و تغییر و تحول آن است؛ این امر را با انتقاد از زبان قضایی در مجله‌های حقوقی، کار با افسران پلیس برای افزایش درک آن‌ها از گفت‌وگوی تخصصی خود و یا انجام فعالیت دشوار ارائه نظر کارشناس به عنوان شاهدی در دادگاه انجام می‌دهند. برای نمونه، استوک (Stock, 2014) «روش نقش‌گذاری تحلیلی مکالمه» (به کوتاه‌سخن سی.ای.آر.ام<sup>۱</sup>) ارائه کرد که راهکاری برای آموزش واسطه‌ها و افسران پلیس در مهارت‌های گفتگو بود را گسترش داد. آیکهنوالد (Aikhenvald, 2019) همچنین در پژوهشی به بررسی مقوله گواه‌نمایی در زبان تارینا<sup>۲</sup> پرداخته که در آن برای تشکیل جمله دستوری گوینده باید منبع خبر و اطلاع را با استفاده از نشانگرهای صرفی مشخصی بیان نماید. وی همچنین بیان می‌دارد که گواه نامرئی در این

<sup>1</sup> CARM: (conversation analytic role-play method)

<sup>2</sup> Tariana

زبان زمانی به کار برده می‌شود که گوینده دربارهٔ فعالیت‌های ارواح جنگل، جادوگران و شفا دهندگان صحبت می‌کند، اما جادوگران در هنگام شرح تجربیات ماوراءالطبیعهٔ خود از گواه دیداری استفاده می‌کنند. زیرا آن‌چه را که آن‌ها گزارش می‌دهند مستلزم این است که سرنوشت هر کس دست‌خوش واقعیت‌های پی‌درپی می‌شود. این درحالی است که جادوگر، خود عاملی فعال و مؤثر در این زمینه به شمار می‌آید.

### ۱.۳. روش‌شناسی پژوهش

این نوشتار کیفی با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از بررسی و واکاوی دو پروندهٔ کیفری، به گونه‌ای تصادفی، به انجام رسیده‌است. داده‌های استخراج شده نیز از گفتمان متهمین این پرونده‌ها است. لازم به اشاره است که پژوهش حاضر به تأثیر ساخت‌های گواه‌نما در اقناع قاضی و بازپرس پرداخته و تحلیل داده‌ها در آن بر پایهٔ گواه‌نمایی از دیدگاه آیکهنوالد (Aikhenvald, 2004) و مدل اقناع هاوولد (Hovland, 1953) انجام گرفته‌است. از میان دو پروندهٔ مورد بررسی، یک آقا متهم به قتل یکی از اهالی روستایی است که خود نیز ساکن آن‌جا است که به اتهام قتل با اسلحه محکوم شده‌است. در پروندهٔ دیگر خانمی یک خانم که متهم به قتل همسر خود با چوب‌دستی است. در جریان دو پرونده، هر دو متهم سعی در انکار جرم خود دارند اما پس از چند مرحله بازجویی به جرم خود اقرار می‌کنند. در پروندهٔ شمارهٔ (۱)، فرد متهم دلیل قتل را ایجاد مزاحمت و درگیری برای برادرش می‌داند و در پروندهٔ دیگر اختلاف و کشمکش میان همسران انگیزهٔ ارتکاب جرم معرفی شده‌است.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. در بخش نخست که مقدمه است، ابتدا به معرفی زبان‌شناسی حقوقی و کاربرد گواه‌نمایی پرداخته‌است. سپس پیشینهٔ پژوهش، مسألهٔ پژوهش، روش‌شناسی پژوهش و ابزار پژوهش معرفی خواهند شد. در بخش دوم، به ساخت‌های گواه‌نمایی در گفتمان حقوقی و ارائهٔ مبانی نظری به کاررفته در تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت. بخش سوم، به تحلیل و بررسی اظهارات متهم‌های دو پروندهٔ واقعی بر پایهٔ مبانی نظری اشاره‌شده اختصاص دارد. در بخش نتیجه‌گیری شرح کوتاهی از یافته‌های پژوهش حاضر ارائه خواهد شد.

### ۱.۴. هدف‌های بازپرسی

بازپرسی در واقع شگردِ گردآوری و دریافت داده‌های درست و قابل‌اعتماد به وسیلهٔ پرسش و پاسخ است که از متهم‌ها به عمل می‌آید (Kazemi et al., 2008, p. 65). آن‌ها همچنین بر این باورند که در هر بازپرسی، رعایت موارد زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:



۱. متهم خواسته یا ناخواسته با یک حکم قضایی باید به پرسش‌های افسر بازجوکننده پاسخ دهد.  
۲. بازجویی باید به صورت کتبی انجام گیرد، بنابراین اظهارات شفاهی متهم، نوار و موارد مشابه اهمیت ندارد.

۳. در بیشتر موارد از شاکتی، بازپرسی به عمل نمی‌آید و فقط از متهم یا متهمین بازپرسی می‌شود. جریان بازپرسی مجموعه سخن‌هایی است که از آغاز تا پایان رویارویی بین افسر بازپرس و متهم رد و بدل می‌شود. این فرآیند می‌تواند بسیار آرام و حتی دوستانه یا بسیار خشن و دشمنانه انجام پذیرد، اگر چه حالت بینابین این دو نیز وجود دارد. (همان)

تقابل و رویارویی مابین دو نفر در امر بازجویی بسیار اهمیت دارد و طبیعی است که در این رویارویی یکی از آن‌ها برتر و دیگری نقش پائین‌تری داشته باشد. اگر چه ممکن است در ابتدای امر، افسر بازجوکننده نقش برتر را داشته باشد. هر چند فرد بازجوشونده نیز می‌تواند با نشان دادن درستی‌گفتار خود و استفاده از گواه مستدل و معتبر گفتمان را به سمت‌وسوی مثبتی بکشاند. او حتی خود را از اتهام به هر گونه جرمی پاک گرداند و به گمان‌خویش در پایان پیروز، سربلند و برنده از این میدان بیرون آید. در این میان، فرد بازجوشونده نباید بر اساس حدس و گمان سخن گوید و باید از گواه مستقیم برای نشان دادن درستی‌گفتار خود استفاده کند. زیرا سخنی که ارزش و اعتبار نداشته باشد ارزش شنیدن نیز ندارد و نمی‌توان در جریان رسیدگی به پرونده از آن بهره گرفت.

## ۲. ساخت‌های گواه‌نمایی در گفتمان حقوقی

گواه‌نمایی مقوله‌ای دستوری است که معنای نخستین‌اش منبع‌خبر است. این مقوله شیوه به‌دست آوردن اطلاع را پوشش می‌دهد، بدون اینکه به درجه قطعیت اظهارات گوینده و درست و نادرست بودن آن مرتبط باشد (Aikhenvald, 2004, p. 3). به باور آیکهنوالد (همان) همچنین حدود یک چهارم زبان‌های جهان دارای گواه‌نمایی به صورت مقوله‌های دستوری هستند که نقش آن نشان دادن منبع اطلاع است. برای نمونه زبان جرورا<sup>۱</sup> از جمله زبان‌های آمازونیایی<sup>۲</sup> است که گواه‌نمایی در این زبان‌ها پ بسیار آشکار است و به صورت مقوله‌ای دستوری به کار می‌رود. زبان جرورا، در جنوب آمازون، روح دارد؛ در این زبان، آن‌چه را که گوینده می‌بیند، به عنوان گواه‌نمایی دست اول معرفی می‌کند و گواه‌نمایی غیر دست اول را برای آنچه که او نمی‌بیند، به کار می‌برد (همان، ۲۶).

<sup>۱</sup> Jarawara

<sup>۲</sup> Amazonian languages

b. Werokisa -me -no,

name get-down-BACK-IMM.P.NONFIRST.m

Ka -me -hiri -ka

Be.in.motion-BACK-REC.P.FIRST.m -DECL.m

Wero got down from his hammock (which I didn't see), and went out (which I see)

ویرو از تور خوابش پایین آمد (که من ندیدم) و بیرون رفت (من دیدم).

گویا گوینده پاره گفتمان، ویرو را خارج از خانه دیده و چنین برداشت کرده که او باید از تور خوابش پائین آمده باشد. این در حالی است که او ویرو را در حال پائین آمدن از تور خوابش ندیده‌است. این بخش غیردست اول بودن فعل اول را نشان می‌دهد، اما فعل دوم نشان دهنده گواه-نمایی دست اول است، زیرا گوینده شاهد آن بوده‌است.

همان‌گونه که اشاره شد، به باور آخنوالد (Aikhenvald, 2004, p. 38-39) تمام زبان-های دنیا دارای مقوله گواه‌نمایی به صورت مقوله‌های مستقل و دستوری نیستند. هر چند، از دیدگاه وی وجود گواه‌نما تقریباً در همه زبان‌ها به صورت راهبرد گفتمانی ثابت شده‌است. او همچنین معتقد است زبان فارسی نیز از جمله زبان‌هایی است که فاقد گواه‌نمایی به صورت مقوله‌های دستوری است. بنابراین، در این زبان ساختارهایی وجود دارد که علاوه بر نقش نخستین خود، القاء‌کننده مفهوم گواه‌نمایی هستند. با در نظر گرفتن دو کارکرد اصلی برای گواه‌نمایی اول، منبع خبر و دوم، تأثیر گوینده بر مخاطب اهمیت این مبحث در تحلیل متون و گفتمان حقوقی از این دیدگاه دو چندان می‌شود.

این درحالی است که برخلاف آخنوالد (Aikhenvald, 2004)، از دیدگاه یاکوبسن (Jackobson, 1957) گواه‌نما ساختاری زبانی است که به واسطه آن رمزگذاری زبانی برای مشخص کردن منبع خبر و اطلاعات از سوی گوینده انجام می‌گیرد. همچنین، چیف و نیکولز - (Chafe & Nickols, 1986) در مجموعه مقاله‌های خود نظام‌های گواه‌نمایی سراسر دنیا را ترسیم کرده‌اند. به باور افرادی همچون چیف و نیکولز (Chafe & Nickols, 1986)، پالمر (Palmer, 1986)، پلانگیان (Plangian, 2001)، سعید (Saeed, 2009) گواه‌نمایی زیرمجموعه وجه‌نمایی<sup>۱</sup> به شمار می‌آید. از سویی به باور افرادی همچون آخنوالد (Aikhenvald, 2004)، دیهان (De Haan, 1999)، لازار (Lazard, 1999) و دینسی (Delancy, 2001) گواه‌نمایی به مثابه مقوله زبانی مستقلی در نظر گرفته می‌شود که زیرمجموعه هیچ‌گونه وجه‌نمایی نیست. آخنوالد (Aikhenvald, 2004, p. 63) انواع منبع اطلاع را به شش دسته زیر گروه‌بندی کرده‌است:

<sup>1</sup> modality

۱. دیداری: گواه و اطلاعی که با استفاده از دیدن شخص گوینده به دست می آید.
  ۲. حسی غیر دیداری: حواس دیگر گوینده مانند بویایی، چشایی و لامسه در شکل گیری آن مؤثرند.
  ۳. استنباطی: اطلاعی که بر مبنای شواهد قابل مشاهده و یا استنباط گوینده از یافته های یک رخداد به دست می آید.
  ۴. حدس: اطلاعی که براساس شواهد غیر قابل مشاهده به دست می آید که ممکن است مشتمل بر استدلال منطقی، فرضیات و یا دانش عمومی باشد.
  ۵. شایعه: اطلاع یا خبری که بدون ارجاع به منبع خبر به ما گزارش شده است.
  ۶. نقل قول: اطلاع یا خبری که با ارجاع مستقیم به منبع خبر و با نقل قول مستقیم گزارش شده است.
- از میان انواع منبع اطلاعی که از سوی آبخوالد معرفی شد، فقط دو مورد نخست گواه‌نمایی مستقیم به شمار می آیند و بقیه موارد گواه‌نمایی غیر مستقیم هستند.
- به باور وی (Aikhenvald, 2004, p. 105) همچنین مقوله‌ها و فرم‌هایی که معنای ثانویه آن‌ها به گونه‌ای به منبع خبر مرتبط است، راهبردهای گواه‌نمایی نامیده می‌شوند. آن‌ها از گواه‌نماهای مشخص که معنای اولیه آن‌ها منبع خبر و جزء جدایی‌ناپذیر آن‌ها است، متفاوت‌اند. راهبردهای گواه‌نمایی مشتمل بر وجه‌های غیر خبری و نمودها (شامل شرطی و غیر واقعی)، زمان آینده، زمان‌های گذشته، استنباطی و کامل، مجهول، فرآیندهای اسم‌سازی (شامل وجه وصفی و مصدر)، فرآیندهای متمم‌سازی و شخصی هستند. در زبان فارسی همان‌گونه که در بخش پیشینه پژوهش اشاره شد، گذشته بید و گذشته نقلی استمراری فقط گواه‌نماهای دستوری به شمار می‌آیند و گواه‌نمایی بیشتر به صورت ساخت‌های گواه‌نما یا راهبردهای گواه‌نمایی پدیدار می‌شود.

## ۲. ۱. اقناع

لازم به اشاره است که از جمله پژوهش‌هایی که تاکنون به صورت جدی به آن پرداخته نشده، بحث کاربرد گواه‌نمایی برای اقناع قاضی و بازپرس است. به باور متولی (Motavali, 2005, p.73) اقناع عبارت است از «تلاش صادقانه برای مجاب ساختن مخاطبین به پذیرش موضوع و خواسته‌ای، به وسیله ارائه مناسب اطلاعات مربوط». تمام افراد جامعه در ارتباط خود با دیگران از این ابزار استفاده می‌کنند، اما گاهی فرد مجبور به دفاع از خود در محاکم قضایی است. برای نمونه، فردی که متهم به کشتار غیر عمد است از تمامی ابزارهای زبانی و غیرزبانی استفاده می‌کند

تا مخاطب (قاضی یا بازپرس) را به پذیرش ادعاهای خود مجاب سازد. روشن است که اقتناع مخاطب در چنین شرایطی به مدارک مستند و مستدل نیاز دارد، اما کاربرد اقتناع به ویژه در دفاعیه‌های متهم‌ها پرونده‌های کیفری بسیار رایج است، زیرا اقتناع مخاطب می‌تواند زندگی دوباره‌ای به فرد ببخشد. لازم به اشاره است که یکی از قدیمی‌ترین مدل‌های متقاعدسازی و تغییر نگرش مدل اقتناع هاوولند و همکارانش (Hovland et al., 1953) است. در این مدل،

متقاعدسازی طی شش مرحله اساسی انجام می‌پذیرد که عبارت‌اند از:

۱. در رویارویی با پیام قرار گرفتن: چنانچه مخاطب پیامی را نشنود یا نبیند، آن پیام هیچ تأثیری بر وی نخواهد گذاشت. بنابراین، می‌توان شرط نخست و اساسی متقاعدسازی را در معرض پیام قرار گرفتن در نظر گرفت.

۲. توجه به پیام: بنابراین، مخاطب در مرحله دوم فرآیند متقاعدسازی به محتوای پیام توجه می‌کند.

۳. درک پیام: چنانچه مخاطب درک درستی از پیام مورد نظر نداشته باشد، نمی‌تواند تحت تأثیر آن قرار بگیرد.

۴. پذیرش نتیجه‌گیری مربوط به پیام: در تحقق فرآیند اقتناع و متقاعدسازی، لازم است مخاطب، نتیجه مربوط به پیام را بپذیرد.

۵. یادداری نگرش جدید: در صورت فراموشی نگرش جدید، در آینده نیز نمی‌تواند تأثیری بر وی داشته باشد.

۶. تبدیل نگرش به رفتار: چنانچه روند تأثیرگذاری بر مخاطب مثبت و نتیجه‌بخش باشد، در آینده نیز نگرش جدید می‌تواند رفتار را به سمت و سوی مورد نظر هدایت کند (Hovland, 1953; quoted from Elijasi, 2009, p. 2-3).

## ۲.۱.۱. اقتناع در دادگاه

هالماری و ویرتانن (Halmari & Virtanen, 2005, p. 6) بر این باورند که اقتناع تمامی رفتارهای زبان‌شناختی است که هدف آن تغییر فکر یا رفتار شنونده یا تقویت باورهای مخاطب است تا او را کاملاً با نظر خود موافق گرداند. آن‌ها همچنین بیان می‌کنند که اقتناع چارچوب ویژه‌ای ندارد و عامل‌های فراوانی در روند متقاعدسازی دخالت دارند. اقتناع بیشتر با بهره‌گیری از فن بیان، فصاحت و بلاغت و همانند نظریه‌ای برای آموزش دهی است تا روش پژوهش یا چارچوبی ویژه. اصطلاح‌ها و ابزار زبان‌شناختی که وکیل‌های مدافع در دفاع از موکل‌های خود به کار می‌گیرند، ابزاری شناختی است و هر فرد شگردهای ویژه خود را دارد.

### ۳. بررسی گواه‌نمایی در گفتمان متهمین

در این بخش، به تحلیل اظهارات متهمین دو پرونده کیفری خواهیم پرداخت. پس از بررسی انواع گواه‌نمایی به کاررفته در پاره‌گفته‌های بیان‌شده از سوی متهم‌ها، نگارندگان بر آن اند تا نشان دهند که متهمین چگونه با استفاده از گواه‌نمایی به عنوان راهبردی گفتمانی سعی در اقناع قاضی و بازپرس دارند تا خود را از اتهام ارتکاب جرم بی‌گناه نشان دهند. همچنین، اینکه آیا استفاده از گواه‌نمایی به عنوان ابزار زبانی می‌تواند قاضی یا بازپرس را به انجام کاری وادارد و یا او را از انجام کاری باز دارد.

#### ۳.۱. وجه دستوری زمان و نمود فعل‌ها

به باور آیکهنوالد (Aikhenvald, 2004, p. 112) معنای اولیه نمود کامل تمرکز بر نتیجه فرآیند است. بنابراین رویداد گذشته را به زمان حال مرتبط می‌سازد. به بیان دیگر، رخداد یا فرآیندی که در گذشته به عنوان رویدادی کامل از نظر گذشته اما هنوز در پیوند با زمان حال است. استنباط نیز بر پایه بعضی نشانه‌ها یا یافته‌های روی داد یا وضعیت پیشین انجام می‌پذیرد. بنابراین، رابطه معنایی میان گواه غیر دست اول و نمود کامل وجود دارد. نمودهای کامل و استنباطی ممکن است معنای دست دوم را برای پوشش گزارش‌های شفاهی گسترش دهند. گسترش نمود کامل به صورت غیر دست اول در بسیاری از زبان‌های قفقازی و ایرانی یافت می‌شود. گذشته دور در زبان فارسی، بر پایه مجموعه‌ای از صورت‌های کامل چندین معنای مرتبط مانند رخدادهایی که در گذشته دور یا ماضی بعید و یا رخدادهایی که نتیجه تجربه غیر مستقیم هستند (مانند شایعه، استنباط یا فرض) را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، کاربرد زمان-نمود غیر کامل به عنوان راهبردی گواه‌نمایی نمایانگر آن است که گوینده ناظر رویداد نبوده‌است. بهره‌گیری از نمود کامل نیز بیانگر این مطلب است که خبر توسط شخص دیگری گزارش شده و غیر دست اول است. بنابراین، برای نمونه بهره‌گیری از گذشته ساده گویای این مطلب است که گوینده خود شاهد ماجرا بوده‌است. هر چند، کاربرد نمود کامل (ماضی نقلی) ممکن است برای مسئولیت‌ناپذیری گوینده و القای مفهوم تردید، حدس و گمان به مخاطب باشد و نمی‌توان آن را به عنوان گواه مستقیم (دست اول) در نظر گرفت. به طور کلی، بهره‌گیری از زمان گذشته ساده به عنوان راهبردی گفتمانی در گفتمان مابین بازپرس و متهم و افرادی که به عنوان شاهد در محاکم قضایی حضور می‌یابند رایج است.

۳. ب: شوهرتون کجاست؟

م: شوهرم سرکارش رفت و حدوداً ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر از محل کارش به خانه آمد. غذا خورد... رفت حمام و گفت می‌خوام برم برای خودروم وسایل بخرم. در این پرونده، فرد متهم خانمی است که متهم به قتل همسرش است. در هنگام بازجویی، وی به شدت جرم خود را انکار می‌کند. در این جا مشاهده می‌شود که او با کاربرد نمود کامل سعی در انکار جرم، انحراف و اقتناع بازپرس را دارد. در بیشتر موارد، نیز افراد در دادگاه‌ها و محاکم قضایی از نمود غیر کامل و زمان گذشته ساده برای بیان اظهارات و دفاعیه‌های خود استفاده می‌کنند. در این جا، فرد از آن جایی که به گفته‌های خود اطمینان ندارد و سعی در نادرست شمردن جرم خود دارد از نمود کامل استفاده کرده‌است. کاربرد واژه «حدوداً» نیز نشانگر چیره‌نشدن بر اظهارات و شبهه داشتن وی در بیان پاسخ قاطعانه است.

۴. ب: دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟

م: آن مرحوم برای برادرم ایجاد مزاحمت می‌کرد. به همین منظور یک اسلحه را از فردی ناشناس خریدم و در شب قتل در فاصله یک صد متری آن مرحوم مشغول آبیاری بودم... او مشغول شخم‌زدن بود... ساعت حدوداً ۹/۳۰ شب بود... از تراکتور پیاده شد و به طرف من آمد... ابتدا یک گلوله به سرش زدم، وقتی افتاد بالای سرش رفتم و دوباره دو یا سه گلوله به سرش زدم.

این بخش مربوط به پرونده‌ای است که در آن فرد متهم یکی از اهالی روستایی که خود ساکن آن‌جا است را به قتل رسانده‌است. در پاسخ به پرسش بالا، متهم انگیزه انجام کشتار و جزئیات آن را با استفاده از فعل زمان گذشته ساده و نیز زمان دقیق وقوع عمل بیان کرده‌است که خواسته یا ناخواسته اعترافی برای ارتکاب به جرم به شمار می‌آید. همچنین وی با اشاره کردن به تعداد گلوله‌ها، با ظرافت ویژه‌ای از اعداد نیز بهره گرفته و در جایی که فرد با اطمینان آمار دقیقی را بیان می‌کند، از اعتبار بیشتری برخوردار است.

۳. ۲. ساخت‌های گزارشی<sup>۲</sup>

به باور آیکهن‌والد (Aikhenvald, 2004, p. 112) هر زبانی شیوه‌ای برای گزارش آن‌چه دیگران گفته‌اند، به کار می‌گیرد. در اصل، گفتار گزارشی با گواه‌نماهای گزارشی دستوری و

<sup>۱</sup> در این مقاله، پرسش‌های مطرح‌شده از سوی بازپرس با حرف «ب» و پرسش‌های مطرح‌شده به وسیله متهم‌ها با حرف «م» به صورت اختصاری نشان داده شده‌است.

<sup>۲</sup> report constructions

نقل قولی سنجش پذیر و برابر هستند. وی، همچنین، بیان می کند که در واقع گواه‌نامه‌های گزارشی و گفتار گزارشی کارکرد یکسانی دارند و نشان می دهند که خبر به وسیله شخص دیگری به دست آمده است. بنابراین، عجیب نیست که معنای مشابهی داشته باشند. گواه‌نامه‌های گزارشی مفهوم خبر غیر دست اول را می رساند که اطمینانی نسبت به آن وجود ندارد. گواه‌نامه‌های غیر دست اول در مفهوم فاصله از رخ داد و عدم پذیرش مسئولیت خبر مشابه اند. در بیشتر موارد، نقل قول مستقیم برای تأیید دوباره آن چه گفته شده به کار می رود. همچنین، به باور بریج (Bridg, 2001, p.190-191) نقل قول مستقیم به عنوان فرار کلامی برای لحظه‌هایی است که می خواهید از خبر فاصله بگیرید و نمی خواهید مسئولیت آن را با واژه‌های خود بپذیرد. متهم‌های پرونده‌های کیفری از نقل قول و ساخت‌های گزارشی برای انحراف مخاطب و بی گناه دانستن خود از انجام جرم بهره می برند و نمی خواهند مسئولیت کاری را که انجام داده‌اند به عهده بگیرند. این سبک گواه‌نمایی در دفاعیه‌ها متهم‌های پرونده‌های کیفری بسیار رایج و متداول است.

۵. ب: چگونه از مرگ همسران مطلع شدید؟

م: ساعت ۶ صبح من از منزل بیرون آمدم جلوی کوچه انتهای جاده مردم جمع شدند و مأمورین هم حضور داشتند... پرسیدم چی شده گفتند همسرت مرده.

در این بخش، متهم از گذشته ساده استفاده کرده و زمان دقیق باخبر شدن خود را به بازپرس شرح می دهد و سعی دارد بازپرس را این گونه متقاعد سازد که او از دیگران (مأمورین) خبر قتل همسر خود را شنیده و خود بی گناه و بی اطلاع بوده است.

در پرونده پسرین نیز فرد متهم در اظهارات خود، علاوه بر انکار جرم، با استفاده از زمان گذشته ساده، اعداد ویژه و آوردن گواه‌نمای گزارشی سعی دارد شریک مقتول را گناه کار جلوه دهد و خود را از انجام دادن جرم پاک گرداند.

۶. م: من آن جا بودم، ولی نکشتم. قبل از قتل ۶ میلیون تومان پول به آن مرحوم دادم که با شخص دیگری کاسبی کند. بعد از یک سال گفت، قصد ندارد پول را پس بدهد. به او گفتم چرا پولم را پس نمیدی، به تو اعتماد کردم که رسید نگرفتم... گفت ساعت ۹/۳۰ با هم صحبت می کنیم... شریک مرحوم آمد و گفت او را می ترسانیم که پولمان را بدهد... رفتیم بالای تراکتور و به آن مرحوم گفتم شریک آمده و می خواهد با تو حرف بزند... او را پایین آوردم و شریکش گفت چرا پولم را پس نمی دهی... با اسلحه به او زد و دوباره زد.

در جای دیگر، نیز در پرسش و پاسخ مابین بازپرس و متهم می بینیم که متهم از ساخت گزارشی برای بی گناه جلوه دادن خود استفاده کرده است. همچنین، با استفاده از واژه «مرحوم» در

گفتمانش سعی دارد بیان کند که او قاتل نیست. در ادامه، به نمونه دیگری اشاره خواهیم کرد که در آن متهم از نقل قول مستقیم استفاده کرده و هم‌دستی برادرش در امر قتل را به زبان می‌آورد.

۷. ب: چرا اعتراف نمی‌کنی که برادرت اسلحه رو برات تهیه کرد؟

م: چون می‌گفت از من شاکی می‌شود... من سابقه دارم... شب قتل، برادرم زندان بود... من چهار گلوله به شکم و سه گلوله به سرش زدم و او را کشتم.... برادرم گفت آبرویمان داخل آبادی می‌رود اگر با او برخورد نکنیم... من هم گول سادگی خودم را خوردم و او را کشتم.

### ۳.۳. عناصر واژگانی<sup>۱</sup>

عناصر واژگانی مشتمل بر فعل‌های حسی و ادراکی و سازه‌های غیرفعلی زبان است که می‌توانند در زبان‌ها نقش گواه‌نما را بازی کنند. عملکرد این گروه از عناصر در دادگاه‌ها بسیار کارآمد خواهد بود. زیرا افرادی که در دادگاه‌ها و محکمه‌های قضایی حاضر می‌شوند، با بازگو کردن آن چیزی که با چشم خود دیده‌اند سعی دارند سخن‌های خود را قاطعانه و بدون هر گونه شک و شبهه جلوه دهند. در ادامه، به گونه‌های مختلف سازه‌های واژگانی اشاره خواهد شد.

### ۳.۳.۱. فعل‌های گوانما<sup>۲</sup>

فعل «دیدن» از جمله فعل‌هایی است که نمایانگر گواه‌نمایی مستقیم است. بنابراین، علاوه بر وجه‌های نقشی، معنایی و نحوی، نقش گواه‌نمایی هم می‌پذیرد. گوینده با کاربرد این فعل به مخاطب این اطمینان را می‌دهد که خبر دست اول است و از شخص دیگری آن را به دست نیاورده است. در بسیاری موارد، در دادگاه‌ها برای شهادت‌دادن و نشان‌دادن درستی گفتار از این فعل استفاده می‌شود.

۸. ب: جریان قتل چگونه اتفاق افتاد؟

م: مرحوم با برادرم یک روز ساعت ۱ شب که من از آبیاری برگشتم درگیری و نزاع داشت و من این حرکت او را دیدم... تصمیم به قتل او گرفتم... مشغول شخم زدن بود و من او را از تراکتور پایین آوردم... تنها بودم.. ساعت ۹/۳۰ از خانه خارج شدم و ساعت ۱۰ قتل را انجام دادم و اسلحه را در چال گندم گذاشتم.

متهم در اظهارات خود از ساعت و زمان دقیق، زمان گذشته ساده و فعل دیدن استفاده کرده است. وی به طور کلی، انگیزه قتل و چگونگی انجام آن را با گواه مستقیم و با جزئیات دقیق

<sup>1</sup> lexical elements

<sup>2</sup> evidential verbs



برای بازپرس شرح می‌دهد. او می‌خواهد خود را گناه‌کار نشان دهد و بازپرس را متقاعد کند که برادرش در امر قتل هیچ دخالت و همدستی‌ای با وی نداشته‌است.

### ۳.۳.۲. واژه‌های گواه‌نما

هلیدی (Halliday, 2004, p. 58-59) در رویکرد نقش‌گرا<sup>۱</sup> برای هر بند<sup>۲</sup> زبانی چند لایه<sup>۳</sup> معنایی را به طور هم‌زمان در نظر می‌گیرد. یکی از لایه‌های معنایی فرانشش بینافردی<sup>۳</sup> است که در روابط اجتماعی، تأثیر بر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های دیگران و نیز برای بیان دیدگاه‌های فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بهره‌گیری از ابزارهای زبانی همچون قیدها به وسیله گوینده برای تأکید بیشتر و تغییر نگرش مخاطب انجام می‌پذیرد. بنابراین، وجود چنین قیدهایی در گفتار کلام متهم‌ها برای تأثیر در رأی دادگاه و متقاعدسازی قاضی و بازپرس بسیار رایج است.

۹. ب: شما متهم به قتل شوهرتان هستید از خود دفاع کنید؟

م: دفاعی ندارم... قبول دارم... ساعت ۹ شب مرحوم آمد خانه بسیار عصبانی بود... فحاشی می‌کرد... من را با چوب‌دستی زد و از خانه بیرون نمود... من کلی التماس نمودم، تا اینکه دوباره مرا زد. سپس در گوشه‌ای دراز کشید... نمی‌دانم چه شد عصبانی بودم... چوب را برداشتم... باهر دو دستم به دست وی زدم... دیدم ساکت است... خیلی ناراحت شدم... چوب را برداشتم به پشت بام انداختم.

متهم با گفتن فعل‌هایی همچون قبول دارم و دفاعی ندارم بیان ندامت و پشیمانی می‌کند و یا حتی برای نشان‌دادن درستی گفتار خود از ساعت دقیق ارتکاب جرم سخن می‌گوید. وی با استفاده از زمان گذشته ساده جزء به جزء پیش‌آمد ناگوار را شرح می‌دهد. او به گونه‌ای خواستار اقناع بازپرس به سمت این موضوع است که روی هم‌رفته شرایطی سبب شده که این جرم به وقوع پیوندد و با کاربرد قیدهایی همچون بسیار، کلی و خیلی سعی دارد، میزان تأثیرگذاری بر مخاطب را افزایش دهد. روی هم‌رفته، با استفاده از فعل‌های حسی، ادراکی و رویدادی و نیز واژه‌هایی که تأثیر کلام را بیشتر می‌کنند، بر آن است تا به خواسته‌اش - که همان بی‌گناه نشان‌دادن خود است، برسد. فعل‌های احساسی و واژه‌های گواه‌نما در کلام خانمی که متهم به قتل همسر خود است، بیشتر به چشم می‌خورد. در بسیاری از پرونده‌های قضایی از این فعل‌ها برای افزایش تأثیرپذیری نسبت به کلام و متقاعدسازی قاضی یا بازپرس استفاده می‌شود.

<sup>1</sup> functional

<sup>2</sup> clause

<sup>3</sup> interpersonal metafunction

در نمونهٔ دیگر می‌بینیم که برادرِ قاتل هم‌دستی خود در انجام قتل را با استفاده از واژه‌های هیچ، بی‌اطلاع و بی‌خبر این‌گونه انکار می‌کند:

۱۰. الف) ب: در شب قتل شما کجا بودید؟

م: در شب قتلِ مرحوم در زندان بودم.... من هیچ اطلاعی از قتل ندارم و در زندان بودم.

ب) ب: شما متهم به معاونت به ارتکاب جرم و نگهداری اسلحه کمری هستید؟

م: من از قتل تا روز آگاهی بی‌خبر بودم.... اسلحه را برادرم (خودش) تهیه کرده و من از

همه چیز بی‌اطلاع هستم.

کاربرد قیده‌های تأکیدی همچون کلی، خیلی، هیچ، همه و موارد مشابه در کلام برای افزایش تأکید و تأثیرگذاری استفاده می‌شود تا مخاطب به سمت پذیرش و باور آنچه گفته شده، کشانده شود. در نمونه‌های اشاره شده، نیز کاربرد چنین قیدهایی به وسیلهٔ متهم‌ها برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب (بازپرس) به کار رفته است.

### ۳.۴. ضمیرها و نشانگرها

آیخنوالد (Aikhenvald, 2004, p.130) بیان می‌کند که در برخی از زبان‌ها برای اشاره به اشیاء دیداری نظام دستوری اشاره‌ای وجود دارد. توانایی دیدن در نظام اشاره‌ای ممکن است به نزدیکی و مجاورت با گوینده، مخاطب یا سوم شخص مرتبط باشد. برای نمونه، میلر (Miller, 1996, p. 709) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که زبان شِشون<sup>۱</sup> برای ارجاع به مجاورت و توانایی دیدن را با هم در آمیخته است. نظام اشارهٔ چهارگانه در این زبان مشتمل بر نزدیک، نه خیلی نزدیک، دور و نه در دیدرس (معمولاً دور) است (Miller, 1996, p. 709; quoted from Aikhenvald, 2004, p. 130). نگارندگان از پاره‌گفته‌های اشاره‌ای<sup>۲</sup> برای اشاره به اشیاء (مانند، این کتاب)، اشخاص (او، آن‌ها)، مکان (اینجا، آنجا) و زمان (حالا، هفته گذشته) بهره می‌برند. همگی پاره‌گفته‌های اشاره‌ای برای توصیف شخص، زمان، مکان و به طور کلی معنای مورد نظر گوینده به کار برده می‌شوند (Yule, 2006, p. 130). در زبان فارسی پاره‌گفته‌های اشاره‌ای در معنای ثانویهٔ خود برای نشان‌دادن درستی گفتار گوینده به کار برده می‌شوند. در زبان فارسی و در بیان دفاعیه‌های متهم‌ها می‌بینیم که گوینده برای افزایش تأثیرگذاری باورپذیری در مخاطب از این پاره‌گفته‌های اشاره‌ای برای رسیدن به هدف‌های خود کمک می‌گیرد. لازم به اشاره است آنچه که با آن می‌توان به مصداقی در جهان پیرامون ارجاع

<sup>۱</sup> Shoshone

<sup>۲</sup> deictic expressions

داد و آن را گواهی بر درستیِ گفتمان به شمار آورد، اهمیت خود را در گواه‌نمایی پیدا می‌کند. همگی ضمائر اشاره، ضمائر شخصی و نشانگرهای مکان و زمان از این ویژگی ویژه برخوردارند و می‌توانند به عنوان سند یا گواه مورد استفاده نیز قرار گیرند. زیرا به کمک آن‌ها می‌توان درستیِ گفتمانی را نشان داد و آن‌ها را شاهد و گواهی بر گفتمان خود دانست. برای نمونه در جمله:

۱۱. «اون کتابی رو که گفتمی از همه بهتره خریدم»

در این جمله ضمیر اشاره «اون» برای کتابی به کار برده شده که برای مخاطب آشناست و به مثابه سند و گواه عمل می‌کند و در اعتباربخشی به سخن تأثیر بسزایی دارد. در محاکم قضایی نیز فرد با هدف اینکه باورپذیری بیشتری در مخاطب خود ایجاد کند از ضمائر و نشانگرهایی استفاده می‌کند تا در واقع میزان تأکید و تأیید کلام خود را افزایش دهد. همچنین نمونه زیر نیز تأییدی بر این ادعاست.

۱۲. ب: چگونه آن مرحوم را به قتل رساندید؟

م: آنجا نزدیک زمین من شخم می‌زد. ...وقتی مرحوم رفت پیش تراکتور من او را از خانه مادرم که نزدیک خانه آن‌ها بود دیدم و به بهانه آب عوض کردن خانه را ترک کرده و اسلحه را برداشتم و به طرف مرحوم رفتم یک دور با او زدم سپس وی را از تراکتور پایین آوردم و گلوله اول را به شکمش و گلوله دوم و سوم و چهارم را به سرش زدم و پا به فرار گذاشتم و اسلحه را توی زمین چال کردم که نزدیک چاه بود. متهم در اظهارات خود از ضمیرهای اشاره نشانگرهای مکانی فعل گواه‌نما و زمان گذشته ساده استفاده کرده تا چگونگی به وقوع پیوستن قتل را با جزئیات کامل برای بازپرس شرح دهد و درستی گفتار خود را نشان دهد.

### ۳. ۵. تکرار پاره گفته‌ها

در بسیاری از موارد، افراد برای نشان دادن درستیِ گفتار خود مطلبی را چندین بار تکرار می‌کنند. متهمین پرونده‌های قضایی نیز از این قاعده به دور نیستند. تکرار واژه‌ها و پاره گفته‌ها در واقع شگردی برای رسیدن به مطلوب است. پیام‌های مخاطب هر قدر بیشتر تکرار شوند، بیشتر در ذهن ماندگار می‌شوند و همین امر سبب اعتماد مخاطب به آن می‌شود. تکرار یک مطلب همانند ضربه‌های چکشی است که کم‌کم میخ را به داخل چوب حرکت می‌دهد و احتمال پذیرش آن را در مخاطب بالا می‌برد. بنابراین، تکرار در گفتار و اظهارات متهمین می‌تواند برای متقاعدسازی مخاطب از جمله قاضی یا بازپرس استفاده شود و از آن برای گواهی دادن و درستیِ گفتار خود بهره ببرند.

۱۳. ب: شما متهم به معاونت به ارتکاب جرم و نگهداری اسلحه کمری هستید؟  
 م: من از قتل تا روز آگاهی بی‌خبر بودم... اسلحه را برادرم (خودش) تهیه کرده و من از همه چیز بی‌اطلاع هستم... من به خاطر آبروی خانواده این کار را کردم... از کرده خود پشیمان هستم... تقاضای عفو و بخشش دارم... برادرم خودش اسلحه تهیه کرده... من بی‌خبرم... من که اسلحه نداشتم و از همه چیز بی‌خبرم تا روز آگاهی که فهمیدم برادرم قاتل است... در زمان وقوع قتل من زندان بودم روز بعدش آمدم مرخصی که دیدم آن مرحوم به قتل رسیده.. برای اظهاراتم که در زندان بودم شاهد دارم و گوشی تلفن همراه من نیز در دست حفاظت زندان بود... از زمانی که ازدواج کرده‌ام با مرحوم رفت و آمد نداشتم.. من خیری از اسلحه ندارم اون شب هم من زندان بودم... تا الان که آمدم اینجا چیزی نمی‌دانم، الان هم از دهان بچه‌ها شنیدم که برادرم قاتل است.

برادرم دورغ می‌گوید... خودش اسلحه تهیه کرده و من از آن بی‌خبرم... ساعت ورود و خروج در زندان درج می‌شود... آنجا افسر نگهبان دارد... تا ششم مرخصی بودم... شب‌ها در خوابگاه بسته می‌شود... اجازه خروج نداریم.

متهم با استفاده از زمان گذشته ساده، واژه‌های گواه‌نما، ضمیرها و نشانگرها، در نظر گرفتن زندان به عنوان شاهد و گواه حضور وی در زندان و همچنین تکرار واژه‌ها و پاره‌گفته‌های مشابه سعی دارد تهیه اسلحه برای انجام قتل را انکار و بازپرس را به هر روشی متقاعد سازد. از سویی، با استفاده از فعل ادراکی و ساخت گزارشی بی‌اطلاع بودن خود را به مخاطب القا و سعی در انکار جرم دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

### ۳. ۶. پاره گفته‌های سوگند

به باور لیونگ (Ljung, 2011, p. 4-5) سوگند یکی از ابزارهایی که زبان‌ها به گویشوران خود به عنوان شیوه‌ای برای افزایش تأکید در گفتارشان ارائه می‌دهند. در بیشتر موارد، سوگند با دیگر شیوه‌های تأکیدی همچون استرس، آهنگ، کیفیت صدا و نه با اشاره به پدیده‌های غیرزبانی مانند حرکت‌ها و حالت‌های چهره همراه است. هر چند، سوگند در شرایط ویژه می‌تواند با تغییر حالت‌ها و حرکت‌های چهره برای افزایش تأکید و تأثیرگذاری بیشتر همراه باشد. وی، همچنین بیان می‌دارد که ارتباط سوگند با مذہب‌ها و ماوراءالطبیعه در بسیاری از زبان‌ها رایج است. برای نمونه، در فرهنگ‌های مسیحی تفاوت ممکن است میان سوگند الهی مشتمل بر خدا، عیسی مسیح (ع)، روح القدس و اولیاء و سوگند شیطانی شامل شیطان و جهنم است. در فرهنگ اسلامی

سوگند مذهبی الله، پیامبر و مکان‌های مقدس را در بر می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد هیچ‌گونه سوگند شیطانی را در نظر نداشته باشد. سوگند خوردن به نزدیکان و خویشان، خداوند، مکان‌های مذهبی و ائمه معصومین که در محاوره نیز کاربرد بیشتری دارند برای تأکید، اثرگذاری در مخاطب و اعتباربخشی به سخن به کار می‌رود. برای نمونه، در بازار و تجارت برای باورپذیری کلام، فروشنده ممکن است بگوید:

۱۴. «به جان بچه‌ام جنس پارچه‌اش خیلی خوبه»

و یا اینکه برای تأیید کلامش و نیز تأیید جنسی که در پی فروش آن است، به خالق و پروردگارش سوگند بخورد. مانند نمونه زیر:

۱۵. «به خدا جنسی که برای شما کنار گذاشتم درجه یکه».

این درحالی است که می‌توان کلام را بدون اینکه لزوماً قسم یا سوگندی در آن دخالت داشته باشد به مخاطب منتقل کرد. هر چند در جایی که هدف، اثربخشی و باورپذیری باشد، گوینده ممکن است به ناچار و خواسته یا ناخواسته از چنین پاره‌گفته‌هایی بهره‌گیرد. در دادگاه‌ها و محاکم قضایی و نیز در موقعیت‌های جدی، فرد متهم زمانی که حس کند با برهان آوردن‌هایش نمی‌تواند راه به جایی برد و خود را از اتهام برهاند، تلاش می‌نماید تا با قسم خوردن وضعیت را به سمت‌وسوی دیگری بکشاند. وی می‌خواهد تا از مراجع قضایی درخواست عفو یا کاهش مجازات داشته باشد و یا حتی ناپذیرای جرم خود باشد.

در پرونده‌های کیفری و در دادگاه‌ها و محاکم قضایی پیوسته متهمین وقتی برای سخنان خود دلیل‌های منطقی ندارد به جای استفاده از گواه‌نماهای معتبر و بابرهان و نپذیرفتن جرم خود از سوگند بهره می‌برند. البته، استفاده از سوگند در امر شهادت در دادگاه در کشورهای اسلامی، همچون ایران، از جمله گواه‌های منطقی و معتبر به شمار می‌رود.

۱۶. ب: بعد از کشتن آن مرحوم چه کار کردی؟

م: اسلحه را در داخل زمین‌های کشاورزی پنهان کردم... جای آن را بلدم و حاضرم به مأمورین نشان بدهم... در ارتکاب جرم خودم تنها بودم و رد این خصوص با برادرم صحبت نکرده‌ام... قبول دارم که او را کشتم... دفاع من این است که به پیغمبر علت حفظ جان برادرم بود.

در این بخش، نیز مشاهده می‌کنیم که متهم با استفاده از زمان گذشته، سوگند خوردن و نشان دادن محل نگهداری اسلحه خواستار توجیه جرم خود و متقاعدسازی بازپرس است. در نمونه بالا، متهم بر آن است آن چه را که باید بر مبنای گواه مستدل و شواهد مورد پذیرش انجام می‌پذیرد با قسم خوردن به بازپرس بفهماند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی روش‌های اقناع قاضی و بازپرس توسط متهمین در تحلیل گفتمان حقوقی بسیار اهمیت دارد و تاکنون چندین پژوهش به روش‌های گوناگون با این هدف انجام شده‌است. در این میان، هر یک از پژوهشگران از زاویه دید ویژه‌ای ابزارهای زبانی به کاررفته توسط متهم را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. گواه‌نمایی و کاربرد آن جزء جدایی‌ناپذیر زندگی هر شخصی به شمار می‌آید. زیرا سخنی که اعتبار نداشته باشد، ارزش شنیدن ندارد. در دادگاه‌ها و محاکم قضایی نیز فردی که به عنوان متهم در دادگاه حضور می‌یابد، شخصی که قرار است شهادت بدهد یا حتی وکلایی که قرار است از حقوق موکل‌های خود دفاع کند، به روش‌های گوناگون از گواه‌نمایی برای نشان‌دادن درستی گفتار خود استفاده می‌کنند. یافته‌ها نشان داد که متهم‌ها این پرونده‌ها کوشیدند تا با استفاده از زمان گذشته ساده، ساخت‌های گزارشی، همچنین فعل‌های گواه‌نما همچون فعل دیدن، فعل‌های احساسی همچون عصبانی‌بودن و فعل‌های ادراکی همچون دانستن، و نیز واژه‌های گواه‌نما همچون کلی، خیلی، اعداد، ضمیر اشاره، نشانگرهای مکانی و زمانی و سوگندخوردن، درستی گفتار خود را نشان داده و با استفاده از این ساخت‌های گواه‌نما تلاش کردند تا بازپرس را فریب داده و خودشان را از اتهامات بی‌گناه سازند. به نظر می‌رسد پژوهشگران پیشین با توجه به اهمیت بررسی گواه‌نمایی در روشن نمودن حقیقت، آن گونه که می‌بایست به این مسئله نپرداخته‌اند و از این دیدگاه این موضوع را مورد بررسی قرار نداده‌اند. اکنون به نظر می‌رسد یکی از دستاوردهای پژوهش حاضر این است که پژوهش‌های این‌چنینی می‌تواند ضرورت وجود زبان‌شناس به عنوان یک کارشناس در دادگاه را یادآور شود و دیگر سایر پژوهشگران فعال در این زمینه را نیز به انجام پژوهش‌های جدی‌تر و تخصصی‌تر وا دارد. در محاکم قضایی واژه‌ها و پاره‌گفته‌ها و بررسی درستی آن‌ها می‌تواند جان فردی را نجات دهد. بنابراین، تحلیل گفتمان حقوقی به صورت تخصصی در چنین مواردی و مواردی از این قبیل می‌تواند روند رسیدگی به پرونده‌های حقوقی را بیش از پیش سرعت بخشد. از این رو، می‌توان پژوهشگران را به انجام پژوهش‌هایی جدی‌تر و تخصصی‌تر دعوت نمود تا به فراخور آن به دستاوردهای مطلوب‌تری نیز دست یابند.

#### فهرست منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (قانونی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. به کوشش مصطفی عاصی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۲۱۵-۲۲۵.

آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی: رویکرد نظری و کاربردی*. ج ۲. تهران: نشر علم.  
آقاگل زاده، فردوس و زائری عظیمه (۱۳۹۴). «توصیف و تحلیل شیوه‌های کلامی و غیر کلامی متهمان جهت اقناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری (زبان‌شناسی حقوقی)». *دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی*. به کوشش فردوس آقاگل زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۱۳-۳۳.

الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸). «مبانی نظری اقناع و مجاب‌سازی». *مطالعات بسیج*. سال ۱۲. شماره ۴۱. صص ۴۵-۷۱.

امیدواری، آرزو و ارسلان گلگام (۱۳۹۶). «بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی: رویکردی رده‌شناختی». *جستارهای زبانی*. دوره ۸ شماره ۱. صص ۷۹-۹۹.

امیدواری، آرزو و ارسلان گلگام (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط گواه‌نمایی زبانی با شخصیت‌پردازی در فیلم با استناد به فیلم‌نامه جدایی نادر از سیمین». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۱. شماره ۲۱. صص ۱-۲۳.  
بدخشان، ابراهیم، دهقان، مسعود و فرشاد دهقان (۱۳۹۴). «تحلیل کاربردشناختی نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل در متن بازپرسی». *دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی*. به کوشش فردوس آقازاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۵۱-۷۳.

حلاج‌زاده بناب، حسین، سید فرید خلیفه‌لو و فردوس آقاگل زاده (۱۳۹۷). *توصیف و تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان دادگاه خانواده، زن‌های خواستار طلاق بر پایه دیدگاه ون‌دایک (۲۰۰۶): رویکرد زبان‌شناسی حقوقی*. رساله دکتری. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

دهقان، مسعود و بهمن حیدری (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل سبک کلامی متهمین در نظام قضایی ایران». *سومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی*. به کوشش فردوس آقاگل زاده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. صص ۱۱-۲۹.

رضایی، والی (۱۳۹۳). «بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی امروز». *پژوهش‌های زبانی*. سال ۵. شماره ۱. صص ۲۱-۴۰.

روشن، بلقیس و نفیسه صفی (۱۳۹۴). «ویژگی‌های کلامی جدال‌های میان زنان و مردان در دادگاه‌های خانواده شهر تهران». *دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی*. به کوشش فردوس آقازاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۱۴۱-۱۶۵.

کاظمی، یوسف و علی‌اکبر احمدی (۱۳۸۷). *مصاحبه و بازجویی فنی اطلاعاتی*. تهران: انتشارات به‌آموز: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت آموزشی ناجا.

متولی، کاظم (۱۳۸۴). *افکار عمومی و شیوه‌های اقناع*. ج ۱. تهران: انتشارات بحجت.  
محمودزاده، هما و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۹۴). «کاربرد سبک‌شناختی عناصر انسجامی در متون حقوقی: بررسی آرای دادگاه‌ها». *دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان*

حقوقی. به کوشش فردوس آقاگل‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صص ۱۷۸-۲۰۷.

مؤمنی، نگار و سیروس عزیزی (۱۳۹۴). «نقش تغییر موضوع و نقض اصول گرایس توسط متهم در

بازجویی‌ها: مطالعه موردی در آگاهی تهران بزرگ». *زبان پژوهی*. دوره ۷. شماره ۱۶. صص

۱۵۹-۱۷۹.

## References

- Aghagolzadeh, F. (2005). Forensic linguistics: new approach in the applied linguistics. In M. Assi (Ed.), *Proceedings of the first conference of the Linguistics society of Iran* (pp. 215-225). Tehran: Allameh Tabataba'i University [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. (2013) *Forensic linguistics: theoretical and practical approach* (2<sup>nd</sup> ed). Tehran: Elm [In Persian].
- Aghagolzadeh, F., & Azimeh, Z. (2016). Description and analysis of verbal and non-verbal perception techniques in open courts of Iran: criminal court discourse analysis (forensic linguistics). In F. Aghagolzadeh (Ed.), *2<sup>nd</sup> Conference on Forensic Linguistics: Forensic Discourse Analysis* (pp. 13-33). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Aikhenvald, A. Y. (2004). *Evidentiality*. New York: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. Y. (2019). The tenets of the unseen: the preferred information source in Tariana. *The Mouth: Critical Studies on Language, Culture and Society*, 4, 59-75.
- Badakhshan, E., Dehghan, M., & Dehghan, F. (2015). A pragmatic analysis of the function of Austin and Searl's speech acts in an interrogative text. In F. Aghagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the 2<sup>nd</sup> Conference on Forensic Linguistics: Forensic Discourse Analysis* (pp. 51-73). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Brridge, K. (2001). *Blooming English*. Sydney: ABC.
- Chafe, W. L., & Nichols, J. (1986). *Evidentiality: the linguistic coding of epistemology*. Norwood. N J: Ablex
- Coulthard, M., Johnson, A., & Wright, D. (2017). *An introduction to forensic linguistics language in evidence* (2<sup>nd</sup> ed). Abingdon: Routledge.
- De Haan, F. (1999). Evidentiality and epistemic modality: setting boundaries. *Southwest Journal of Linguistics*, 18, 83-102.
- Dehghan, M., & Heidari, B. (2017). The study and analysis of the verbal style of defendants in Iranian judicial system. In F. Aghagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the 3<sup>rd</sup> Conference on Forensic Linguistics: Forensic Discourse Analysis* (pp. 11-29). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Delancy, S. (2001). The imitative and evidentiality. *Journal of Pragmatics*. 33, 369-82.
- Elyasee, M. H. (2010). The Theoretical and Practical Foundations of Convincing and Persuading. *Motaleate-Basij*, 12 (41), 45-71 [In Persian].
- Fairclough, N. (1989) *Language and power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995) *Critical discourse analysis: the critical study of language*. London: Longman.
- Halaj-Zadeh Bonab, H., khalifeh-Loo, S. F., & Aghagolzadeh, F. (2018). *Describing and analyzing ideological structures in family court discourse, divorce women based on Van Dike's viewpoint (2006): the forensic linguistic approach* (PhD dissertation). Sistan and Baluchistan University, Zahedan, Iran. [In Persian]
- Halliday, M. A. K. (2004). *An introduction to functional grammar* (3<sup>rd</sup> ed). London: Arnold.
- Halmari, H., & Virtanen, T. (2005). *Persuasion across genres: a linguistic approach*. USA, Philadelphia: John Benjamin Publishing Co.



- Hovland, C. I., Lumsdaine, A. A., & Sheffield, F.D. (1953). *Experiments on mass communication*. Princeton: Princeton University Press.
- Jacobson, R. (1957) *Shifters, verbal categories and the Russian verbs*. Cambridge: Cambridge: Harvard University.
- Kazemi, J., & Ahmadi, A. A. (2008). *Interview and technical interrogation*. Tehran: Beh Amooz. [In Persian]
- Lazard, G. (1996). Le médiatif en persan. In Z. Guentchéva (Ed.), *L'énonciation Médiatisée* (pp. 21-30). Louvain-Paris: Peeters.
- Lazard, G. (1999) Mirativity, evidentiality, mediativity, or other? *Linguistic Typology*, 3, 91-110.
- Lazard, G. (2001). On the grammaticalization of evidentiality. *Journal of Pragmatics*, 33, 358-68
- Ljung, M. (2011) *Swearing: a cross-cultural linguistics study*. Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Mahmoudzadeh, H., & Mahmoudi Bakhtiari, B. (2015). Stylistic usage of cohesive elements in forensic texts: a review of court decisions. In F. Aghagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the 2<sup>nd</sup> Conference on Forensic Linguistics: Forensic Discourse Analysis* (pp. 178-207) Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Miller, W. (1996). Sketch of Shoshone, a Uto-Aztecan language. In I. Goddard (Ed.), *Handbook of American Indians* (Vol. 17. pp. 693-720). Washington: Smithsonian Institution.
- Momeni, N., & Azizi, S. (2015). Role of topic shift and violence of Grice principles in interrogation: forensic linguistics. *Zabanpazhuhi*, 7 (16), 159-179 [In Persian].
- Motavali, K. (2005). *Public opinion and persuasion practices* (1<sup>st</sup> ed). Tehran: Behjat. [In Persian]
- Omidvari, A. & Golfam, A. (2015). The study of the relationship between linguistic evidential structures and characterization in the Persian discourse of the movie "Separation", *The Journal of Language Related Research*. 11(21), 1-23. [In Persian]
- Omidvari, A., & Golfam, A. (2017). *The study of evidentiality in Persian: a typological approach*. IQBQ, 8 (1), 79-99. [In Persian]
- Palmer, F. R. (1986). Mood and modality. Cambridge: Cambridge University Press.
- Plungian, V. A. (2001). The place of evidentiality within the universal grammatical space. *Journal of Pragmatics*, 33, 349-58
- Rezai, V. (2014). Evidentiality in contemporary Persian. *Journal of Language Research*, 5(1), 37-58 [In Persian].
- Roushan, B., & Safi, N. (2015). Verbal features of disputes between men and women in family courts of Tehran. In F. Aghagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the 2<sup>nd</sup> Conference on Forensic Linguistics: Forensic Discourse Analysis* (pp. 51-73). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Saeed, J. (2009). *Semantics* (3<sup>rd</sup> ed). Oxford: Wiley Blackwell.
- Shuy, R. (2006). *Linguistics in the courtroom: a practical guide*. Oxford: Oxford University Press.
- Stock, E. (2014) The conversation analytic role-play method (CARM), a method for training communication skills as an alternative to simulated role-play. *Research on Language and Social Interaction*, 47(3), 255-65
- Toolan, M. (2001). *Narrative a critical linguistic introduction*. London: Routledge.
- Yule, G. (2006). *The study of language* (3<sup>rd</sup> ed). Cambridge: Cambridge University Press.

## Research article: Evidentiality in the Interrogator's Persuasion

Masoud Dehghan<sup>1</sup>  
Atiyeh Karami<sup>2</sup>

Received: 05/09/2019

Accepted: 03/02/2020

### Abstract

Forensic Linguistics is an interdisciplinary field that began its work in the US and European courts in 1997. Since then, linguists have been able to expedite the processing of many cases by analyzing linguistic tools. Forensic Linguistics, which is one of the new trends in applied linguistics, aims to spread and achieve justice in the community, widely used in all areas of linguistics, such as Discourse Analysis, Syntax, Semantics, Phonology, Dialectics, Phonetics, and Stylistics. The approach taken by Fairclough (1989:5) for language analysis is called Critical Language Study (henceforth CLS). This critical approach pursues the specific purpose of revealing the connection between language, power, and ideology that is hidden to the people. In his view (1995:555), the purpose of critical discourse analysis (henceforth CDA) is to formulate the link between the features of texts and discursive interactions and the cultural-social characteristics of the contexts in which they are used.

The importance of examining the defendants' discourse is such that the judge issues the final verdict based on the evidence in the case and the analysis of the truth of their defense. Language is a means of communication that humans owe their survival to. Moreover, the knowledge of linguistic tools helps to appreciate each other.

Evidentiality is a linguistic tool to specify information source as well as speaker or writer performance in order to make clear their speech in a way that news validity has a greater impact on the audience. Studies show that different texts can be divided into separate categories.

Forensic Linguistics as a new science which has started its work since 1997 in judicial courts of America and England can accelerate the process of handling judicial cases and help judge and interrogator in judgment. The use and significance of evidential structures are determined when an accused person attempted to swear

---

<sup>1</sup>Assistant Professor, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran, (corresponding author); [m.dehghan@lit.uok.ac.ir](mailto:m.dehghan@lit.uok.ac.ir)

<sup>2</sup>M.A. Student in Linguistics, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran; [atiyeh.karami92@gmail.com](mailto:atiyeh.karami92@gmail.com)

by any means, except for an accident, etc., from the charge of a crime, show the truth of his speech and convince the judge or interrogator.

So, the aim of the current research is to investigate the effect of the verbal application of evidentiality used in judge or interrogator's persuasion. In this research, we analyzed the statements of two accused of murder (a man and a woman) in two criminal cases based on Forensic Linguistics and linguistic tools.

The findings of this research showed that the accused individuals use evidentiality as a linguistic tool to persuade the interrogator and then deny the accusation. Also, the results of the current research showed that the accused individuals use simple past tense, reported structures, evidential verbs like seeing, as a sensory verb, evidential words and swearing for a greater impact, increasing credibility of their speech and persuading the interrogator. The authors of this study seek to answer the question of whether using evidential constructions as a linguistic tool can persuade a judge or interrogator to do something or prevent him or her from doing something and how the accused individuals use these constructions as the discourse strategy in order to persuade the judge and the interrogator to absolve themselves from the accusation of committing the crime.

Evidentiality is a grammatical category whose primary meaning is the source of the news. This category covers the way information is acquired without being related to the degree of certainty of the speaker's statements and their correctness and incorrectness (Aikhenvald, 2004:3). He also said that about one fourth of the world languages have evidentiality as grammatical categories whose role is to represent the source of information. For example, in a language, such as the Jarawara language (including the Amazonian languages in which evidentiality is observed readily, and is used as a grammatical category), in the south of the Amazon, it introduces what the speaker observes as the first-hand evidentiality. He uses a non-first-hand evidentiality of what he does not observe. The results showed that the accused individuals attempted to make use of evidential verbs, perceptual verbs, and evidential words such as general, numbers, demonstratives, spatial and temporal markers, and oaths to show the truth of their speech. Also, the findings showed that they attempted to deceive the interrogator and absolve themselves of accusations by using these evidential constructions.

The present study consists of four sections. In the first section, we introduce the field of Forensic Linguistics and the use of evidential constructions in the analysis of forensic discourse comprising speech or written. Then we will introduce a number of done researches in the field of Forensic Linguistics. Also, we will explain the nature of the methodology of this study, and provide a brief description of the trend of the two case studies which are analyzed during this study. In the next section, we will focus on the theoretical foundations used in data analysis. In the third section, we will analyze and examine the statements of the accused individuals by providing examples of two real cases based on the above mentioned theoretical grounds. And in the closing section, we will provide a brief description of the findings of the present study.

**Key words:** Forensic Linguistics, Evidential Constructions, Persuasion, Judge or Interrogator